

ی سپهر (سپهر

مجموعه سروده‌ها



تابستان ۱۳۸۹

ی
سپهر
(
سپهر

سهراب سپهری

مجموعه سروده‌ها

سهراب سپهری

اول / تابستان ۱۳۸۹

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۹-۳۴-۵

۲۰۳۰۹۸۹

جلد ۵۰۰۰

۱۰۰۰۰۰ ریال

نشر شادان



گروه فرهنگی انتشاراتی

دفتر مرکزی:

تهران، کوی نصر (گیشا)، خیابان جواد فاضل غربی،

شماره ۱۰۲، تلفن: ۸۸۲۶۷۲۹۸ - ۸۸۲۴۱۰۲۰

Web site: www.shadan-pub.com

E-mail: shadan@shadan-pub.com

سهراب
سپهری

مجموعه اشعار: سهراب سپهری /

تهران: شادان / ۱۳۸۹ ۴۰۰ صفحه / قیمت ۱۰۰۰۰۰ ریال

شعر و ادبیات غیر داستانی (۳۰۰۷)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۹-۳۴-۵

ISBN: 978-964-2919-34-5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

شعر فارسی - قرن ۱۳

۱/۶۲ فا

ش ۱۱۶۱۳۸۹

۲۰۳۰۹۸۹

PIR ۸۰۹۰

۱۳۸۹

کتابخانه ملی ایران

یادآوری: کلیه حقوق این اثر محفوظ است.
انتشارات شادان می‌باشد و هرگونه استفاده
از آن فقط با مجوز ناشر مجاز می‌باشد.

سهراب
سپهری

سهراب، ستاره‌ای بر سپهر آبی شعر

امروزه مقبولیت کسی چون سهراب سپهری، در قواره و اندازه‌ای است که فراموش می‌کنیم این موقعیت برای او چگونه به دست آمده است. در واقع چون از زمانه او کمتر آگاهی داریم، شاید به این موضوع هم کمتر توجه کنیم که سهراب با گذر از چه شرایطی به جایگاه امروزی‌اش دست یافته است.

مقدمه

البته این ماجرا منحصر به سهراب نیست و از سالهای دور و برای افراد مختلف نیز چنین بوده است: اهل هنر، سالها در زمانه خویش مهجور و غریب، اما با ایمان و استوار به راه خویش می‌روند و حتی سرزنش‌ها و نقدهای غیرمنصفانه را تاب می‌آورند تا روزی، آن هم معمولاً در زمانه‌ای دیگر، به آنچه شایسته‌اش هستند دست یابند.

برای آنانی که یا سن‌شان اقتضا می‌کند یا علاقه‌شان به تحقیق، خواندن مقالاتی که در دهه سی و چهل در مورد شاعری جوان منتشر شده، می‌تواند توضیحی مناسب بر زمانه سهراب باشد.

در حقیقت هم‌نسلان او با داشتن تجربیاتی شگرف از تاریخ، نقطه عطفی میان دیروز سنتی و امروز مدرن شدند. نسلی که هنرمندانش از جنگ جهانی و محدودیت و خفقان تا بازشدن بی‌مرز فضا در دهه بیست و سپس فضای سیاسی و بسته دهه سی را آزمودند و از تمام این شرایط به پختگی رسیدند و پایه‌گذار تحولی کم نظیر در عرصه هنر و فرهنگ این مرز و بوم شدند.

سهراب نیز یکی از آن نسل بود و شاخصه‌اش - به

گفته نزدیکان - علاوه بر مهربانی و فروتنی، خجول بودن و تمایل به تنهایی بود و شاید هم انزوا - و به زعم برخی روشنفکران آن زمان، منفعل و دور از مردم! و عجبا که وقتی به شخصیت او، آن هم در شور و حرارت جوانی، که لازمه اش میل به جنجال و مطرح شدن است نگاه می‌کنیم، به صیوری‌اش پی می‌بریم. سهراب تمام آن سخنان دلسردکننده را می‌شنید اما بدون لحظه‌ای درنگ مسیر خود را می‌پیمود. او کتاب به کتاب، بیشتر پخته و صاحب سبک می‌شد و اشعارش را شناسنامه‌دارتر می‌کرد. او در شعر به جایی رسید که زبان خاص خود را یافت: سرراست و ساده. و اشعارش را به مجموعه‌ای از تابلوهای بی‌بدیل برای خواننده‌اش مبدل ساخت. شاید این حرف به گزافه نباشد که در دو سه کتاب آخر، هر خط از اشعار او، فقط مختص اوست و احتمالاً هر کس با اندک آشنایی با آثارش می‌تواند آن را تشخیص دهد.

در واقع نگاه منتقدانه به اشعار سهراب، گذشته از سالهای اخیر و پس از مرگ او که تطایف شده‌اند، ضد و نقیض‌های فراوانی دارد: گروهی با ایرادات بی‌رحمانه و اندکی هم در تایید او. حتی دوستان بی‌غرض نیز بر او و نگاهش در شعر خُرده می‌گرفتند: «در زمانی که دنیا در جنگ‌های گوناگون و بی‌رحمانه می‌سوزد چگونه می‌توان دل‌نگران آب خوردن کبوتر بود؟!».

البته از این دست نظرهای دوستانه - و حتی برخی غیردوستانه - که گاهی در نشریه‌ای و گاهی شفاهی عنوان می‌شد کم نبودند، اما سهراب بنابر همان روح آرام و دور از جنجال خویش، کمتر پاسخی مکتوب میداد. اگر هم جوابی بود در حد همان پاسخ شفاهی به دوستی بود که نقدی میکرد: «اصل ماجرا همین جاست! برای مردمی که از شعر نمی‌آموزند تا نگران آب خوردن کبوتر باشند، مرگ و کشته شدن آدم‌ها در هر نقطه‌ای از جهان هم امری بدیهی جلوه می‌کند!». این هم از معدود واکنش‌های او بود که در آن، نگاه انسان‌دوستانه و عشق به طبیعت و محیط موج می‌زند.

سکوت، آرامش و تنهایی راهکار او برای آفرینش بی‌ریای هنرش بود: چه نقاشی و چه شعر. شاید خُرده برخی مبنی بر بی‌توجهی سهراب به جامعه اطراف و دردهای زمانه مورد تایید بسیاری باشد ولی همان خُرده‌گیران نیز به صمیمیت، شفافیت و پاکیزگی زبان او در شعر اذعان دارند.

زندگی سهراب شاخصه‌ای تاثیرگذار نیز دارد که نظر هر کس را به خود جلب می‌کند: «سفر». او با سفرهای مختلف به عریض‌تر شدن زندگی‌اش کمک بسیاری کرد، هر سفر به گوشه‌ای از کره‌ی خاکی با حال و هوای خاص خویش: از غرب مدرن شده و پیشرفته تا اروپای هنر دوست و شرقی پُر راز و صاحب ریشه. سهراب تا پایان عمر همچنان به زندگی نگاهی مسافرگونه داشت و در پی تجربه‌ای جدید می‌گشت. انگار که لازم است همواره از دیدن‌ها بیاموزد و قرار نیست متوقف شود و مدعی پختگی گردد.

سفر برای او مکتب درس بی‌نظیری شد و بهانه‌ای برای آشنایی با فرهنگ‌های گوناگون. اگر چه در غیر سفر نیز بی‌هیاهو به آموختن شعر شاعران قبل از خود می‌پرداخت و بر دانسته‌هایش می‌افزود، به گونه‌ای که برخی او را - گاهی - متأثر از شاعران سبک اصفهانی (به ویژه صائب و بیدل) می‌دانند و برخی نیز شعرهایی از او را تاثیر گرفته از «هایکوی ژاپنی». حتی بعضی در رفتار و سلوک نیز او را اثر پذیرفته از بودا می‌پندارند که صبوری، اولین ویژگی رفتاری‌اش بود.

درون‌گرایی و آرامش سهراب حتی در زمان عیان شدن بیماری‌اش نیز ادامه داشت. شاید این جمله - به قولی - توصیف زیبا اما غم‌انگیزی از وضع او در دوره بیماری‌اش باشد: «روزهای بیماری، با جسمی خلاصه شده و غوطه‌ور در درد!» و اینجا بود که جمله معروف سهراب - میان دوستانش - در مورد زندگی، نمودی دیگر می‌یافت: «زندگی یعنی عجالتاً!». او در شعرش تا اوج انسانیت رفته و به ستایش آفرینش و طبیعت می‌پرداخت. سهراب دیگر کامل شده بود تا جایی که به درک و فهم آب، به عنوان نماد طبیعت اطراف خود رسیده بود، حتی اگر در آخرین کتابش تا حدودی حسی مایوس‌کننده نیز به خواننده‌اش القا می‌کرد.

به راستی اگر بخواهیم اولین نقطه بارز در شعر او را بیان کنیم، به تصور من سادگی در بیان احساس با کلمات، وصف خوبی است. سادگی آمیخته با زیرکی در تشبیهات و ترکیبات که در عین حال، تأمل برانگیزند و خواننده را به سمت توجه به خوب نگاه کردن او به دور و بر سوق می‌دهد. نوع شعر سهراب به گونه‌ای است که بسیاری را به تقلید وامیدارد، غافل از آن که شعر او سهل است و ممتنع: ظاهری ساده که وقتی وارد عرصه‌اش بشویم به دشواری‌اش پی می‌بریم، ساده نوشتن و سادگی‌ها را ترسیم کردن کاری است که از عهده هر کس بر نمی‌آید. زبان

شعر او زاده نقاشی و تصویر است و چنان استادانه این کار را انجام می‌دهد که خواننده را متعجب می‌سازد. او، شعر را نقاشی می‌کند و سهراب شاعر را با سهراب نقاش در هم می‌آمیزد به گونه‌ای که تفکیک آن دو ناممکن می‌شود.

به تصور من سپهری اگر امروز همچنان زنده است و آثارش خوانندگان خود را دارد دلیلی جز فراتر از زمان و مکان بودن او ندارد. او شاعر بی‌زمان و بی‌مکان است و همواره شعرش تازگی دارد. حتی آنانی که تمام عمر را در زندگی شهری امروز گذرانده‌اند و از سادگی طبیعت و محیط روستایی تصویری ندارند، در شعر مصور سهراب همه را احساس می‌کنند و حتی می‌بینند. این همان راز ماندگاری سهراب سپهری است.

در پایان لازم به ذکر می‌دانم علیرغم آنکه سهراب نقاش و سهراب شاعر از هم جداشدنی نیستند و ریشه در یک وجود دارند، ولی به دلیل تمرکز این کتاب بر شعر او، سخن گفتن ما نیز بر مبنای شاعر بودن اوست. نگاه به سهراب نقاش نیازمند تجربه‌ای خاص خود است که حتماً در آثار منتشره از او در نقاشی و توسط اهلی آن ارزیابی می‌شود. اگر چه مدعی شناخت سهراب شاعر نیز نیستیم!

به هر حال انتشار کتابی از سهراب سپهری افتخاری است که اگر بتوانیم در ارائه بهتر شعر او گامی برداریم موفق شده‌ایم و گر نه در خیل آثار منتشره از او، اضافه شدن کاری مثل دیگر آثار هدف ما نیست.

شاید پایان بردن این مطلب و یاد نکردن از ناشر سالیان سهراب، یعنی انتشارات طهوری نیز دور از انصاف باشد که توانست در شناساندن بیشتر و بهتر او به نسل امروز خوب و مؤثر عمل کند و امیدواریم امروز که دیگر این ناشر در نشر کتاب سهراب سپهری تنها نیست، تعدد تعجب‌برانگیز ناشرین به آفت کیفیت در عرضه کتاب این شاعر بزرگ منجر نشود.

روحش همواره قرین رحمت آن مهربان باد.

بهمن رحیمی

خرداد ماه ۸۹

تهران

سهراب

فهرست

کتاب اول: مرگ رنگ سال ۱۳۳۰

۱۹	در قیر شب
۲۱	دود می خیزد
۲۳	سپیده
۲۵	مرغ معما
۲۷	روشن شب
۲۹	سراب
۳۱	رو به غروب
۳۳	غمی غمناک
۳۵	خراب
۳۷	جان گرفته
۳۹	دل سرد
۴۱	دره خاموش
۴۳	دنگ

۴۶	نایاب
۴۸	دیوار
۵۰	مرگ رنگ
۵۲	دریا و مرد
۵۴	نقش
۵۷	سرگذشت
۵۹	وهم
۶۰	با مرغ پنهان
۶۲	سرود زهر

کتاب دوم: زندگی خواب‌ها سال ۱۳۳۲

۶۷	خواب تلخ
۶۹	فانوس خیس
۷۲	جهنم سرگردان
۷۴	یادبود
۷۷	پرده
۷۹	گل کاشی
۸۲	مرز گمشده
۸۴	پاداش
۸۶	لولوی شیشه‌ها
۸۹	لحظه گمشده
۹۱	باغی در صدا
۹۳	مرغ افسانه
۹۹	نیلوفر
۱۰۱	برخورد

سفر.....	۱۰۳
بی پاسخ.....	۱۰۵

کتاب سوم: آوار آفتاب..... سال ۱۳۴۰

بی تار و پود.....	۱۱۱
طنین.....	۱۱۳
شاسوسا.....	۱۱۵
گل آینه.....	۱۲۰
همراه.....	۱۲۵
آن برتر.....	۱۲۷
روزنه ای به رنگ.....	۱۲۹
ای نزدیک.....	۱۳۱
غبار لبخند.....	۱۳۳
فراتر.....	۱۴۵
شکست کرانه.....	۱۳۷
دیاری دیگر.....	۱۳۹
کو قطره و هم.....	۱۴۱
سایبان آرامش ماء، ماییم.....	۱۴۳
پرچین راز.....	۱۴۵
آوای گیاه.....	۱۴۷
میوه تاریک.....	۱۴۹
شب هم آهنگی.....	۱۵۱
دروگران پگاه.....	۱۵۳
راه واره.....	۱۵۴
گردش سایه ها.....	۱۵۶

برتر از پرواز.....	۱۵۸
نیایش.....	۱۵۹
نزدیک آی.....	۱۶۱
.....	۱۶۳
موج نوازشی، ای گرداب.....	۱۶۴
بیراهه‌ای در آفتاب.....	۱۶۶
خوابی در هیاهو.....	۱۶۸
تارا.....	۱۷۰
در سفر آن سوها.....	۱۷۱
ای همه سیمایها.....	۱۷۲
محراب.....	۱۷۴

کتاب چهارم: شرق اندوه سال ۱۳۴۰

روانه.....	۱۷۷
هلا.....	۱۷۸
پادمه.....	۱۷۹
چند.....	۱۸۰
هایی.....	۱۸۱
شکپوی.....	۱۸۲
نه به سنگ.....	۱۸۳
و.....	۱۸۴
نا.....	۱۸۵
پاراه.....	۱۸۶
شیطان هم.....	۱۸۷
شورم را.....	۱۸۸

۱۹۰.....	bodhi
۱۹۱.....	گزار
۱۹۲.....	لب آب
۱۹۳.....	هنگامی
۱۹۴.....	تا
۱۹۶.....	تنها باد
۱۹۸.....	تراو
۱۹۹.....	وید
۲۰۰.....	وشکستم، و دویدم، و فتادم
۲۰۱.....	نیایش
۲۰۳.....	به زمین
۲۰۵.....	و چه تنها
۲۰۶.....	تا گل هیچ

کتاب پنجم: صدای پای آب..... سال ۱۳۴۴

۲۰۹.....	صدای پای آب
----------	-------------

کتاب ششم: مسافر..... سال ۱۳۴۵

۲۳۳.....	مسافر
----------	-------

کتاب هفتم: حجم سبز..... سال ۱۳۴۶

۲۵۵.....	از روی پلک شب
۲۵۷.....	روشنی، من، گل، آب
۲۵۹.....	و پیامی در راه

۲۶۲	ساده رنگ.....
۲۶۴	آب.....
۲۶۶	در گلستانه.....
۲۶۹	غربت.....
۲۷۱	پیغام ماهی‌ها.....
۲۷۳	نشانی.....
۲۷۵	واحه‌ای در لحظه.....
۲۷۷	پشت دریاها.....
۲۸۰	تپش سایهٔ دوست.....
۲۸۲	صدای دیدار.....
۲۸۴	شب تنهایی خوب.....
۲۸۶	سورهٔ تماشا.....
۲۸۹	پرهای زمزمه.....
۲۹۱	ورق روشن وقت.....
۲۹۳	آفتابی.....
۲۹۵	جنبش واژهٔ زیست.....
۲۹۷	از سبز به سبز.....
۲۹۹	ندای آغاز.....
۳۰۲	به باغ همسفران.....
۳۰۵	دوست.....
۳۰۸	همیشه.....
۳۱۰	تا نبض خیس صبح.....

کتاب هشتم: ما هیچ، ما نگاه..... سال ۱۳۴۶

ای شور، ای قدیم..... ۳۱۵

۳۱۷	نزدیکِ دورها
۳۱۹	وقت لطیف شن
۳۲۱	اکنون هبوطِ رنگ
۳۲۳	از آب‌ها به بعد
۳۲۵	هم سطر، هم سپید
۳۲۷	اینجا پرنده بود
۳۳۰	متن قدیم شب
۳۳۴	بی‌روزها عروسک
۳۳۷	چشمان یک عبور
۳۴۱	تنهای منظره
۳۴۳	سمت خیالِ دوست
۳۴۵	اینجا همیشه تیه
۳۴۷	تا انتها حضور

اشعار دیگر: که در هشت کتاب نیامده است

۳۵۱	غبار کاروان
۳۵۳	افسانهٔ جهان
۳۵۵	أنسِ سراب
۳۵۷	چشم تماشا
۳۵۹	پروردهٔ گل‌ها
۳۶۱	نقش برگ‌ها
۳۶۳	موج بی‌آرام
۳۶۴	آهنگ باران
۳۶۵	پیداتر از دیده‌ها
۳۶۶	اسرار پنهان

نگارستانِ غم.....	۳۶۸
گذرِ خواب.....	۳۷۰
یک چیز.....	۳۷۲
زاغ سپید.....	۳۷۴
دَمی باید.....	۳۷۷
طنین.....	۳۷۸

.....زندگی سهراب.....

مروری کوتاه بر زندگی سهراب.....	۳۸۱
---------------------------------	-----

.....معنی برخی لغات.....

لغت‌نامه.....	۳۸۹
---------------	-----